

مرتب‌تدريج در خانه؛ احیای بستر زندگی خانواده گسترده

مصطفی صیرفیان پور*

کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۲۹، تاریخ پذیرش نهائی: ۹۰/۱۱/۳)

چکیده

این مقاله، تلاشی است برای تدوین «نظام فضایی» که ظرفیت برقراری ارتباطی عمیق را میان ساکنین آن داشته باشد. جامعه (مظروف معماری) امروز، بر خلاف جامعه همگن و پیوسته دیروز، دچار انقطاع شده است؛ انقطاع در دو ساحت زمان و مکان؛ انقطاع مردم از گذشته خود (گسست نسل‌ها) و از یکدیگر. انقطاعی که در حد فاصل خانواده هسته‌ای و مراتب وسیع‌تر جامعه رخ داده است. ایجاد پیوستگی، معلول جاری شدن مفهوم تدریج در روابط افراد جامعه است. برای تحقق این امر، حلقه‌ای مولد، ولی مفقوده وجود دارد که مرتبه‌ای دیگر از مراتب اجتماعی است؛ «خانواده گسترده».

تغییر تدریجی، خصیصه‌ای است که سبب پیوستگی در هر یک از این دو ساحت و همچنین این دو ساحت با یکدیگر است و بستر احیای شیوه زندگی خانواده گسترده را فراهم می‌آورد. خانواده گسترده، به عنوان مرتبه‌ای از جامعه که زنده است و بستر ساز پیوستگی و زندگی در جامعه است. برای نیل به این منظور به شناخت خانواده گسترده و بررسی امکان یا ضرورت احیای آن در جامعه امروز و جستجوی ویژگی‌های ظرف زندگی این خانواده پرداخته شده است.

با توجه به علل افول خانواده گسترده، ایدئوگرام خانه این خانواده براساس تغییر تدریجی در دو ویژگی مهم خانه ایرانی که همانا محصوریت و خلوت است، با نگاهی تمثیلی به سرمشق درخت شکل گرفته است. درخت برای میوه، دو منبع تغذیه فراهم آورده؛ شاخه‌ها به عنوان منبع تغذیه مشترک؛ و تغذیه مستقیم و مستقل از آفتاب و هوا. حیاط نیز منبع تغذیه خانه است. در هر خانه جزء، حدفاصل دو حیاط خلوت و حیاط جمع، طیف فضاها از خلوت تا جمع سامان می‌گیرند؛ و خانه‌ها در حیاط مشترک به وحدت می‌رسند. در ارتباط فضای باز با فضای بسته، طیف محصوریت مطرح می‌شود، که تبدیل این دو را در طریقی تدریجی پیشنهاد می‌کند. امری که باعث پیوستگی فضا می‌شود.

در مفهوم مطروحه - یعنی تغییر تدریجی و پیرو آن پیوستگی در ظرف و مظروف معماری - می‌توان مطابقتی یافت با فلسفه ملاصدرا که بر اصالت وجود بنا نهاده شده است. از منظر او، هستی، خصیصتی طیف گونه یا تغییری تدریجی و پیوسته دارد؛ خصیصتی تکوینی که در نظام تشریحی نیز بنا به برقراری آن است.

کلید واژه‌ها:

تدریج، پیوستگی، خانواده هسته‌ای، خانواده گسترده، خلوت، محصوریت.

مقدمه

- **طرح مسئله:** جامعه امروز، بر خلاف جامعه همگن و پیوسته دیروز^۱، دچار انقطاع شده است؛ انقطاع در دو ساحت زمان و مکان؛ انقطاع مردم از گذشته خود (گسست نسل‌ها) و از یک‌دیگر. از مضار بی‌شمار این انقطاع، می‌توان به تضعیف و آسیب پذیر شدن خانواده به عنوان بستر رشد فرزندان، ایجاد خلل در برقراری ارتباط اعضای خانواده با دیگران، عدم اکرام والدین و همچنین فراموشی فرهنگ و آداب و سنن اشاره کرد. در این بستر، نسل‌های جدید، با انقطاع از گذشته خود، به جای ارتزاق معنوی از فرهنگ بومی، از رسانه‌های نوظهور تغذیه می‌کنند که اربابشان، در مبدأ و معاد با آن، در تعارضند. این انقطاع، در حد فاصل خانواده هسته‌ای و جامعه رخ داده است.

حال، نقش معماری در برقراری رابطه و ایجاد پیوستگی چه می‌تواند باشد؟ این پرسشی است که در گذر از مسیر تحقیق، به «تعریف مدلی از خانواده و بررسی روایی آن و همچنین جستجوی ویژگی‌های بستر زندگی آن خانواده» محدود می‌شود.

- **هدف:** ایجاد پیوستگی، معلول جاری شدن مفهوم تدریج در روابط افراد جامعه است. برای تحقق این امر، حلقه‌ای مولد، ولی مفقوده وجود دارد که مرتبه‌ای دیگر از مراتب اجتماعی است؛ «خانواده گسترده»^۲. این مقاله، تلاشی است در جهت احیای شیوه زندگی خانواده گسترده، به عنوان مرتبه‌ای از جامعه، که زنده است و بستر پیوستگی را در جامعه فراهم می‌آورد.

درباره چگونگی آن باید گفت؛ این مقاله در ابتدا به تحلیل پیوستگی و خاصیت طیف‌گونگی در دو ساحت ظرف و مظهر معماری^۳ می‌پردازد. این تحلیل در ساحت مظهر معماری، تدقیق در دو وجه زمان و مکان را می‌طلبد. از پی این تحلیل، خانواده گسترده به عنوان بستر شکل‌گیری پیوستگی، در دو ساحت ظرف و مظهر معماری مطرح می‌شود. با تحلیل مزایا و معایب این خانواده تعریفی جدید از این خانواده ارائه می‌شود که امکان روایی در جامعه امروز را دارد. در نهایت، بر مبنای این تعریف، ویژگی‌های ظرف زندگی خانواده گسترده، که ظرفیت آن شیوه زندگی را دارد تبیین می‌شود.

- **روش تحقیق:** این پژوهش دو مرحله دارد؛ مرحله اول متوجه مسائل و معضلاتی^۴ مربوط به حوزه روانشناسی و جامعه‌شناسی است. در این مرحله با مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی نمونه‌های موردی فرضیه‌ای صادر شد مبنی بر اینکه «احیای خانواده گسترده با حفظ استقلال، می‌تواند برای رشد افراد خانواده مفید باشد». با انجام مصاحبه‌ها و مشاهدات و مطالعات، نسبت به فرضیه مذکور طمأنینه‌ای حاصل شد. در مرحله دوم نقش معماری در احیای خانواده گسترده مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله با تحلیل نمونه‌های موردی گذشته و حال و شیوه زندگی آنها، در قالب مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و همچنین انجام اسکیس‌هایی با موضوع مذکور، پیشنهاداتی برای خانه خانواده گسترده ارائه شد.

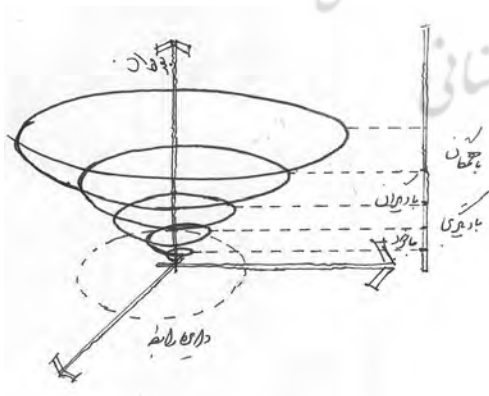
مرتب‌ت تدریج در خانه

- **مظروف معماری:** اسلام اهمیت فراوانی برای جامعه و امور اجتماعی قائل شده است به طوری که «علامه طباطبایی» (رضوانا.. تعالی علیه) می‌فرماید: «بدون شک اسلام تنها دینی است که اجتماع و زندگی اجتماعی را اساس تعلیمات خویش قرار داده



نمودار ۱: تغییر تدریجی؛ علت پیوستگی (نگارنده)

در رابطه با فرزندان^۷، و هر چه شعاع این دایره مکانی بیشتر می‌شود و دایره وسیع‌تر می‌گردد تعداد افراد حوزه ارتباط به تدریج بیش‌تر و از نزدیکی روابط تدریجاً کاسته می‌شود. این روند تدریجی ارتباط، نباید در این مرحله منقطع گردد بلکه باید بر همین روش ادامه پیدا کند. لایه‌های دیگر ارتباطی با درجه‌های مختلف در اطراف هسته مرکزی خانواده باید وجود داشته باشد تا طیف ارتباط تدریجاً و متصلاً ادامه داشته و محو گردد. این اصل مبین لزوم وجود درجات مختلف رابطه میان انسان‌ها، در موقعیت‌های مختلف مکانی نسبت به مرکز (خصوصی‌ترین مکان ارتباط) است. روابطی که معلول همگونی شخصیت ساکنین است. «اگر ساکنین شخصیتی همگون نداشته باشند مجاورت مکانی به تماس‌های منفی منجر می‌شود به ویژه وقتی که خلوت کافی برای خانواده‌ها وجود نداشته باشد»^۸. استدراج در ساحت مکان در بسیاری از مفاهیم دیگر نیز جاری است به عنوان مثال در مفهوم اقتصادی به شکل زیر ظهور می‌کند: «وقتی یک خانواده کم درآمد در منطقه‌ای متوسط ساکن شود؛ ممکن است بجای هم‌گرایی با ساکنین دچار انزوا شود»^۹.



نمودار ۲: نمودار نسبت بعد مکان با کمیت رابطه (نگارنده)

حقیقت در بعد زمان نیز مشهود است. با دقت به

و روح جامعه را تا آخرین حد ممکن در احکام و معارف خویش نفوذ می‌دهد. اسلام به قدری به اجتماع اهمیت می‌دهد که نظیری برای آن یافت نشده و نخواهد شد»^۵.

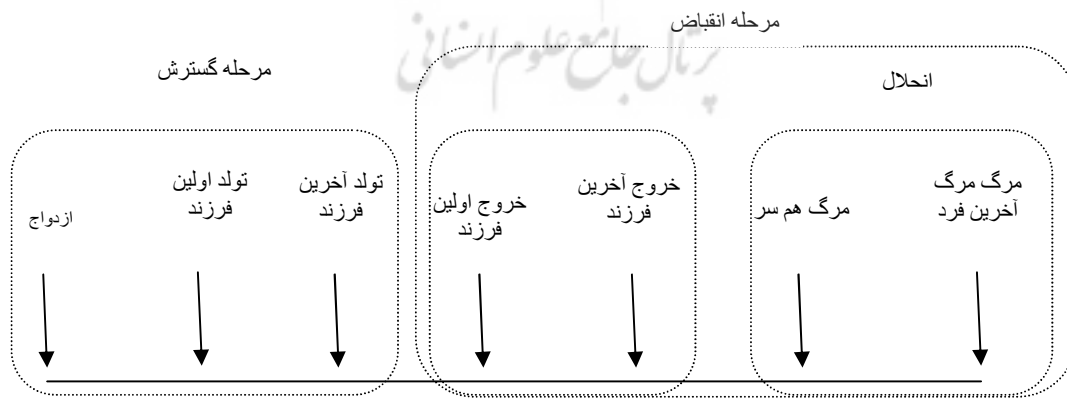
برقراری ارتباط، معلول وجود تفاهمات و نقاط مشترک است. این در حالی است که جامعه، بالاخص از نوع امروزی آن، از خانواده‌ها و افرادی با بینش‌ها و عقاید مختلف و حتی متضاد تشکیل شده است. شرط برقراری ارتباط میان زیرمجموعه‌های جامعه، قرارگیری آنها به نحوی است که تغییر شیوه زندگی آنها در طریقی تدریجی رخ دهد. این، سنتی است که به صورت طبیعی در جزء تا کل جامعه دیروز، جاری بوده و کم و بیش تا هنوز نیز برقرار است. به عنوان مثال، در مقیاس کلان کشور با حرکت از شمال به جنوب و شرق به غرب، اقلیم به اقلیم، استان به استان، شهر به شهر و روستا به روستا می‌توان تغییرات تدریجی در ساحت مختلف نظیر اقلیم، آداب و رسوم، زبان و لهجه، نوع پوشش، خصائص قومی و دیگر ویژگی‌ها مشاهده کرد. این تغییرات تدریجی از حیطه مرزهای سیاسی ایران فراتر است و میان ایران و کشورهای همسایه، پیوستگی برقرار کرده است. این سنت، در مقیاس جزء هم نحوه سازمان یافتن و روابط اهالی یک محله یا روستا را متجلی است.

- پیوستگی در ساحت مکان: انسان نیازمند مراتب مختلف رابطه است. از رابطه با خود تا رابطه با دیگران به معنای وسیع آن. «هیچ کس بدون داشتن فرصت‌های پیاپی خلوت نمی‌تواند به دیگران نزدیک شود»^۶. استدراج در مفهوم رابطه را می‌توان در ساحت مکان بدین شرح بررسی کرد.

«انسان در خصوصی‌ترین حالت، در رابطه با خود و فقط با خود است در مرحله‌ای دیگر در رابطه با نزدیک‌ترین فرد به خود یعنی همسر، در مرحله بعد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

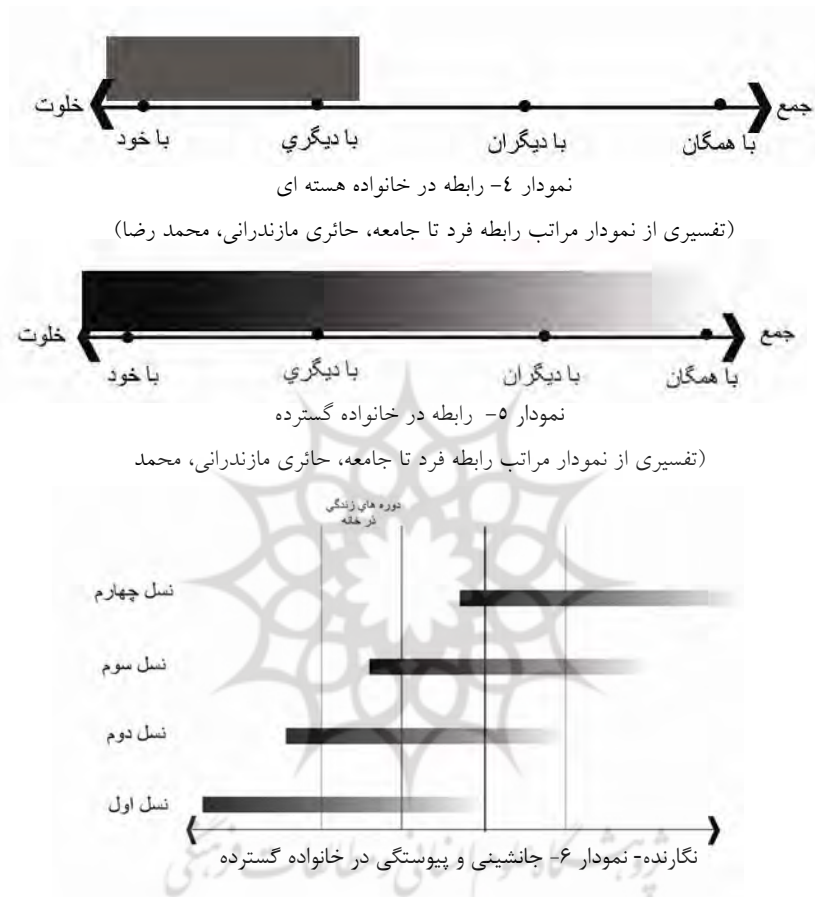


نمودار ۳- مراحل عمر خانواده هسته ای (اعزازی، شهلا-۱۳۸۲)

مرتب‌ت‌تدریج در خانه؛
احیای بستر زندگی خانواده گسترده

جهت‌گیری‌های ارزشی و الگوهای رفتاری میان دو نسل هم‌زمان در یک جامعه است. افول مفهوم خانواده گسترده و همه‌گیری مفهوم خانواده هسته‌ای از نشانه‌های این گسست است.

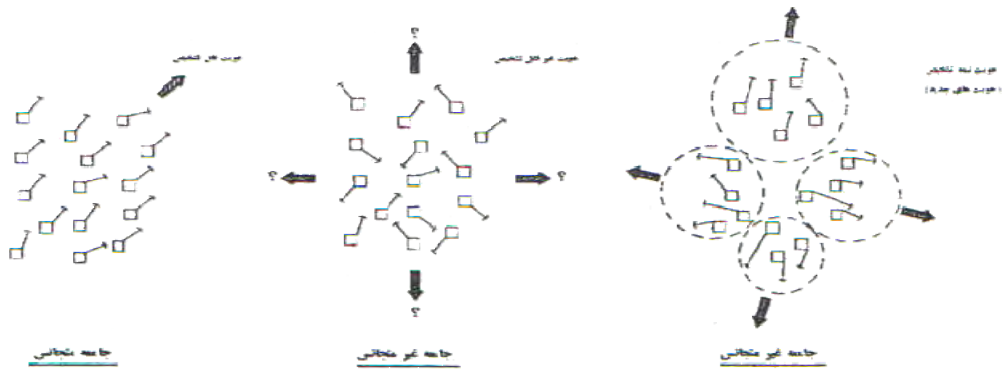
در ساحت زمان، این گسست در قالب معضل شکاف نسل‌ها ظهور کرده است که حاکی از اختلاف فاحش روانی، اجتماعی، فرهنگی و تفاوت معنادار در بینش و آگاهی، باورها، تصورات، انتظارات،



در جامعه ناهمگن با گذر زمان مردم در جست و جوی افرادی با وجوه مشترک برای تشکیل جامعه‌ای کوچک و همگن هستند. تحقق این اتفاق ناگزیر، می‌تواند در صورت‌های مختلفی رخ دهد ولی هیچ‌یک از آنها نمی‌تواند همچون خانواده گسترده رابطه ساز باشد و منجر به پیوستگی فرد با جامعه شود. به دیگر معنا احیای بستر زندگی خانواده گسترده، می‌تواند شرایط را برای ایجاد پیوستگی در جامعه فراهم آورد.

این انقطاع در ساحت مکان، در حد فاصل خانواده هسته‌ای و جامعه رخ داده است. کمرنگ شدن مفاهیم خانواده گسترده، محله، واحد همسایگی و ظهور نومیکانی و ناهمگنی در جامعه از علل این انقطاع است.

- ایجاد پیوستگی در جامعه: ایجاد پیوستگی، معلول جاری شدن مفهوم تدریج در روابط افراد جامعه است که امری است ممکن و لازم.



نمودار ۷- اشتراک های جدید در محیط های غیر همگن (راپاپورت، ایموس. انسان شناسی مسکن)



پروژه شگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

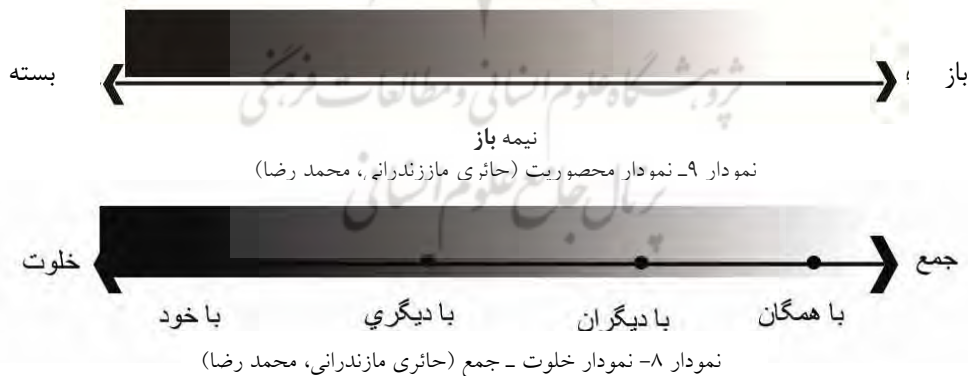
شارمی / شناسیل ۱۰- طارمی ۱۱- دو دری ۱۲- سه دری ۱۳- پنج دری ۱۴- شاه‌نشین ۱۵- پس اتاق ۱۶- حوض‌خانه ۱۷- ایوان ۱۸- شکم دریده ۱۹- غلام گردش ۲۰- سرداب/سيزان ۲۱- پس سرداب ۲۲- زاویه ۲۳- طنبی ۲۴- بالاخانه ۲۵- گوش‌وار ۲۶- بام ۲۷- کریاس ۲۸- باغچه و گودال باغچه ۲۹- آبریزگاه ۳۰- حوض / دست‌شویی ۳۱- پستو ۳۲- تالار ۳۳- سرپوشیده ۳۴- آشپزخانه / مطبخ / دولاب / دولاب چه^{۱۴}

این تقلیل فضاهای معماری امروز در قیاس با معماری گذشته و حذف حالات و فضاهای میانی، نشان از انقطاع در مفهوم و در سیر معماری در دوره معاصر دارد. اگر معماری را به مثابه بستر رفتار و زندگی در نظر بگیریم، این انقطاع باعث خلل در مفهوم استدراج بعنوان ماهیت حرکت در ساحت زندگی می‌شود و این به معنای خلل در حرکت زندگی است.

تعریف خانواده گسترده خانواده‌ای است که قدر رابطه را می‌داند. مجموعه‌ای است از خانواده‌های سه نسل که در عین استقلال از یکدیگر امکان برقراری رابطه در مراتب مختلف برایشان فراهم است. در این خانواده هر کس قادر به انتخاب درجه خلوت مطلوب خویش است.

- **ظرف معماری:** «طبق تحقیقات، در خانه مبتنی بر معماری ایرانی، ۱۶ تجربه فضایی خواب و ۲۴ تجربه فضایی غذاخوردن ثبت شده است.»^{۱۲} «اگر تعداد فضاهای معاصر ساخته شده در شهرهای کشور را بشماریم از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نخواهد کرد. آنها عبارتند از:

ورودی- حیاط در ارتباط با پیلوتی و پارکینگ- نشیمن- پذیرایی- آشپزخانه - دستشویی و توالت حمام - اتاق خواب - انبار - راه پله و راهرو.^{۱۳} حال فضاهای خانه سنتی را بر می‌شمریم:
«۱- دربند ۲- سردر ۳- هشتی ۴- دالان ۵- صفه ۶- حیاط ۷- تخت‌گاه ۸- مهتابی / بهارخواب ۹-



پیشنهاداتی برای طراحی خانه خانواده گسترده

- سرمشق درخت: هر خانه جزء می‌بایست عضوی از مجموعه بزرگ‌تر خانه خانواده گسترده باشد و در عین استقلال اجزاء، به واسطه فضاهای مشترک، کلی واحد را تشکیل دهد. مانند درختی که

تنوع فضایی خانه ایرانی را می‌توان محصول ادغام طیف‌های بالا دانست. به این معنا که فضای بسته، با توجه به اینکه در کدام مرتبه از خلوت و درجه ارتفاعی قرار دارد شکل نام گذاری می‌شود.



نمودار ۱۲- حیات به مثابه منبع تغذیه خانه (نگارنده)

عرصه‌های زندگی در حدفاصل دو منبع تغذیه (حیات مشترک و حیات خلوت) شکل می‌گیرد.



نمودار ۱۱- جاری بودن طیف رابطه در هر یک از خانه‌ها (مبتنی بر نمودار مراتب رابطه، حائری مازندرانی، محمد رضا)



نمودار ۱۳- تقسیم بندی عرصه زندگی براساس خلوت و ارتباط

طیف خلوت تا جمع در همه خانه‌های جزء باید رعایت شود و خانه‌ها، در عرصه عمومی، به واسطه حیات مشترک، به وحدت می‌رسند.



نمودار ۱۴- طیف خلوت - جمع سه طیف خانه (نگارنده)

در ساختاری سلسله مراتبی، شاخ و برگ‌هایش با یکدیگر در مفاصل به اشتراک می‌رسند. در سازوکار درخت، دو طریق برای تغذیه وجود دارد. طریق اول ساقه‌هایی است که به ساقه اصلی و ریشه متصل می‌شود و مواد غذایی از مراتب مشترک ریشه و ساقه عبور کرده و به میوه می‌رسد. بخشی دیگر از تغذیه میوه به طور مستقیم و مستقل، به واسطه نور خورشید و هوا تامین می‌شود.

خانه نیز محتاج تغذیه است و تغذیه اش، از سرمشق درخت پیروی می‌کند. حیات، مایه حیات و منبع تغذیه خانه است. حیات مشترک (منبع تغذیه مشترک)، علاوه بر تامین نور، منظر و تهویه، وظیفه برقراری ارتباط میان اعضای خانواده گسترده را نیز دارد و حیات خلوت، وظیفه تامین نیازهای عرصه خلوت هر یک از خانواده‌های جزء را عهده‌دار است.

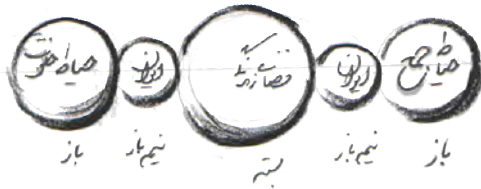


شکل ۱- انواع تغذیه درخت - تغذیه مشترک از ساقه و تغذیه مستقل از هوا و آفتاب

هر خانه جزء نیازمند عرصه‌هایی با درجات مختلف خلوت است تا پاسخ‌گوی نیازهای متنوع ارتباطی ساکنین خود در مراتب مختلف خلوت تا جمع باشد. به دیگر بیان طیف رابطه (خلوت - جمع) باید در هر خانه جزء برقرار شود.

مرتب‌ت‌تدریج در خانه؛
احیای بستر زندگی خانواده گسترده

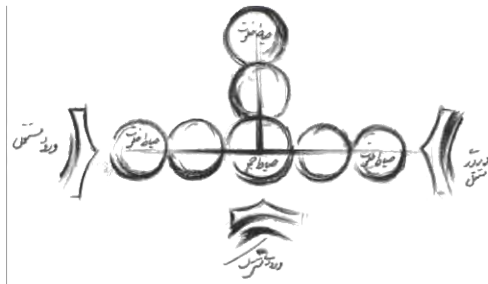
باید تغییر محصوریت در فضاهای خانه در طریقی
تدریجی واقع شود.



نمودار ۱۷- اعمال مراتب محصوریت در خانه (حائری مازندرانی،
محمد رضا)

مند، پیوسته و دارای شدت و ضعف می‌داند. از منظر
او، وجود واحد است و هستی را پر کرده است و در
واقع هستی چیزی جز وجود نیست و ماهیت، تنها حد
وجود است؛ حد کیف و کم آن. پس کثراتی که با
آن مواجهیم از شدت و ضعف وجود (یا حد وجود
که همان ماهیت است) نشأت می‌گیرد.
او در بحث حرکت جوهری، حرکت را امری متصل
و تدریجی می‌داند که خصلت آفرینش است و در
جوهر هستی (غیر از ذات احدیت)، جاری است و این
صفت تدریجی است که از تغییر، امری متصل و
پیوسته می‌سازد.

حال پس از این مقدمه مجمل، می‌توان با نگاهی
تطبیقی، بین حرکت یا همان تغییر تدریجی متصل، که
از منظر صدرای خصلت جوهری ماده است (و چون
سستی الهی در مخلوقات جاریست) و ضرورت تغییر
تدریجی (پیوستگی) در ظرف و مظهر معماری
(آنچنان که بحث شد) ارتباطی برقرار کرد. خصلتی
تکوینی که در خلقت احسن الخالقین جاریست و ما
نیز باید به آن، به مثابه یک الگو نظر داشته باشیم.



نمودار ۱۵- ایدئوگرام ارتباط سه خانه با یکدیگر (نگارنده)

برای حفظ استقلال خانه‌های نسل دوم و سوم، هم
چنین حیات یافتن حیاط خلوت‌ها، ورودی مستقلی از
حیاط‌های خلوت برای هر خانه جزء در نظر گرفته
شود.

برخی خدمات که بین خانواده‌ها مشترکند و
حیطه‌های مشترکی می‌طلبند؛ نظیر کارگاه، بخش
بیرونی، انبارها. این فضاها نیز می‌توانند با حیاط
مشترک کار کنند. با در نظر گرفتن این قسم فضاها،
ایدئوگرام خانه خانواده گسترده را می‌توان به شکل
زیر تصویر کرد.



نمودار ۱۶- ایدئوگرام ارتباط سه خانه با یکدیگر
(نگارنده)

لازم به ذکر است برای حیات یافتن عرصه‌های
مختلف محصوریت و ایجاد ارتباط احسن بین آنها،

پیوست‌ها

پیوست ۱- ویژگی‌های خانواده گسترده

در خانواده گسترده، میراث معنوی از نسل اول برای نسل‌های بعد به جا می‌ماند. میراثی که قابل قیاس با میراث مادی نیست. عزت و اعتبار نسل اول و اجدادش که بر طریق تدریج و در طریق حق حاصل شده است به نسل‌های بعد منتقل می‌شود و نسل‌های بعد به اعتبار ماسبق خود از اعتبار و احترامی در محله و شهر برخوردارند که ثمرات عمیق تربیتی دارد. این میراث موجب عزت نفس و قدردانی در نسل نو می‌شود و آنان را از ابتدا با مفهوم اعتبار و پاداش معنوی در مقابل اعتبار و پاداش مادی آشنا می‌کند. مفهومی که خانواده هسته‌ای به دلیل نو مکانی از آن محروم است.

برخلاف خانواده‌ی هسته‌ای که دارای تولد و مرگ است، خانواده گسترده خانواده‌ای است که مرگ ندارد. در این خانواده حلقه‌های نسل‌ها جای خود را به یک دیگر می‌دهند و از این رو این خانواده متصف به صفت الهی «قدیم» است. عمر بلند خانواده گسترده، علت عمر بلند و مانایی خانه است. خصیصه‌ای که موجب شکل‌گیری هویت، خاطره، روابط اجتماعی، حس تعلق و امنیت می‌شود. این در حالی است که نو مکانی در جوامع امروز به شکلی سرسام‌آور در حال فزونی است. تا بدانجا که در شهری مانند تهران به عدد ۷ بار تغییر مسکن در طول یک زندگی رسیده است. این آمار در مقابل زندگی چند نسل در یک خانه و هم‌چنین مفهوم مسکن که حامل معانی سکینه است و آرامش و قرار، جای تأمل دارد. «به هیچ وجه نمی‌توان تصور کرد که خانه یک خانواده هسته‌ای عمری معادل و یا مشابه با خانواده گسترده داشته باشد. بر عکس کاملاً محتمل است، به جای آنکه نسل‌هایی متفاوت در یک خانه زندگی کنند، یک نسل در طول عمر خود در چندین خانه متفاوت زندگی کند.»^{۱۵} عمر کوتاه خانواده هسته‌ای، معلول عمر کوتاه مظروف آن، یعنی خانواده هسته‌ای است. خانواده‌ای که در آنی به وجود می‌آید؛ با تولد فرزندان و رشدشان بسط پیدا می‌کند و پس از سامان گرفتن آن‌ها و جدا شدن از خانواده، دچار قبض می‌شود و با مرگ والدین فنا می‌شود.

خانواده گسترده خانواده زنده است. از ویژگی‌های موجود زنده خود ترمیمی است. در خانواده گسترده اگر خدشه‌ای به خانواده وارد شود به عنوان مثال پدر یا مادر از خانواده حذف شود، نزدیکان دل سوز دیگری هستند که می‌توانند تا حدی جبران مافات کنند و از کودک یا کودکان حمایت کنند تا

خللی در زندگی رخ ندهد. این در حالی است که همین اتفاق در خانواده هسته‌ای موجب لطامت جبران ناپذیر به خانواده و کودک می‌شود.^{۱۶}

کریستوفر الکساندر نظریه پرداز حوزه معماری یک خانواده هسته‌ای را نمونه‌ای از یک جامعه زنده نمی‌داند. او حداقل تعداد ۸ تا ۱۲ نفر را برای تشکیل یک جامعه زنده لازم می‌داند.

در خانواده گسترده نسل‌ها با یک‌دیگر در ارتباطند و میراث بومی - فرهنگی به واسطه این ارتباط منتقل می‌شود. در این نظام ارتباطی پدر بزرگ و مادر بزرگ معلمان خوبی برای کودکان هستند.

وجود این خانواده را می‌توان مانع از بروز گسست نسل‌ها در جامعه دانست. معضلی که در جامعه امروز ما، با انقطاع نسل‌ها و ظهور و همه‌گیری رسانه رو به فراگیری است. ادامه این طریق به فراموشی سنت‌ها و آداب و رسوم منجر خواهد شد که حاصل قرن‌ها فرهنگ و بینش این مردم است.

خانواده ساختاری لایه مند دارد این ساختار موجب شکل‌گیری انواع مختلف رابطه در مراتب متنوع برای هر عضو می‌شود.

حدّ خانواده کجاست؟ آیا خانواده همانی است که ما در حدّ فاصل چار دیواری‌های خود محدود و محبوس کرده‌ایم؟ آنچه از مضامین اسلامی بر می‌آید حامل مفهومی وسیع‌تر از آنچه است که ما امروز خانواده اش می‌خوانیم.

خداوند در سوره مبارکه نحل آیه شریفه ۷۲ می‌فرماید:

«وَلِلّٰهِ جَعَلَ لِكُلِّ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَّجَعَلَ لِكُلِّ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِيْنَ وَّحَفَدًا وَّرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيْبَاتِ اِفْلَاحًا لِّبَاطِلٍ يُؤْمِنُوْنَ وَّبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ يَكْفُرُوْنَ»

«و خداوند از جنس خودتان برای شما هم‌سرانی آفرید و از هم‌سران شما برایتان فرزندان و نوادگانی قرار داد و از نعمت‌های پاک روزی، نصیبتان نمود. آیا مردم باز به باطل می‌گروند و کفران نعمت الهی می‌کنند؟»

از آیه شریفه بالا می‌توان وسعت خانواده نخستین (درجه اول) را دریافت. در این آیه شریفه «حَفَدَه» اشاره به دامادها و نوادگان از قبیل نوه‌ها و نتیجه‌ها و... دارد. خانواده در نظر قرآن کریم برخلاف خانواده‌های امروز ما محدود به پدر و مادر و فرزندان نیست و معنایی وسیع‌تر دارد.

همچنین شرع مقدس با تعریف مفاهیمی چون صلّه ارحام و تأکید بر آن زمینه ایجاد خانواده‌ای وسیع و پیوسته را فراهم آورده است.^{۱۷}

است، آنگونه که باید معنا شوند. در این بستر، مراتب دیگری از روابط اجتماعی و همچنین خانواده شکل می‌گیرد.

این خانواده به واسطه وجود روابط گسترده، بستر حلول خاطره است. مفهومی که نسل امروز از آن کم بهره است.

خانواده گسترده بستر امنیت است. از یک روی این خانواده به مثابه بذری است که باعث رویش واحد همسایگی و محله همگن می‌شود محله‌ای که اهالی آن خود را مسئول در قبال یکدیگر می‌دانند. از دیگر روی، در مقیاسی کوچکتر اهالی این خانه خود را در قبال یکدیگر مسئول می‌دانند و خانه به علت حضور چند خانواده، کمتر خالی از سکنه می‌شود بلکه همواره فرد یا افرادی در آن هستند. به وجوه مختلف مقوله امنیت روانی نیز در بندهای دیگر اشاره شده است.

این خانواده در گذشته در مرتبه‌ای از توانایی بوده که بسیاری از نیازهای خود را خود تأمین می‌کرده و تولید در آن جاری بوده است. امروز هم این خانواده می‌تواند با توجه به ظرفیت و تخصص اهالی خود مفهوم خانواده را از نهادی صرفاً مصرفی به نهادی تولیدی ارتقا دهد.

قدرت خانواده گسترده در زمینه فرهنگی بسیار با اهمیت است. از خصایص جامعه امروزی ناهماهنگی و وجود انواع متعارض آرا و عقاید است. که از محصولات دهکده جهانی و عصر ارتباطات در جوامعی نظیر جامعه ما می‌باشد. جوامعی که ریشه در سنت دارند و در عین حال مبتلا به این شرایط هستند. خانواده گسترده به عنوان جامعه‌ای زنده و هم‌گن می‌تواند محیطی مطلوب و مطبوع فراهم کند که امکان قرار بر مرام را در جامعه هزار سوی ناهمگن امروز ممکن سازد. به مانند حیاط مرکزی در خانه یزدی که خرد اقلیمی مطبوع و مطلوب را در میان اقلیمی خشک و گرم فراهم آورده است.

پیوست ۲ - الگوی خانواده^{۱۹} در زبان الگو

کریستوفر الکساندر در کتاب الگوهای استاندارد در معماری (A pattern language)، هر جا صحبت از خانه است، اشاره به لزوم تشکیل جامعه‌ای فراتر از یک خانواده هسته‌ای معمول دارد. (رجوع شود به الگوهای خانواده، خانه‌ای برای خانواده‌های کوچک، خانه‌ای برای زوج‌های جوان، الگوی خانه مجردی، الگوی منزل شخصی شما، الگوی مجتمع‌ها). این به معنای اهمیت گسترش مفهوم خانواده و ایجاد مرتبه‌ای میانی بین خانواده و اجتماع است. بسط مفهوم خانواده و ایجاد مراتب میانی مظهر معماری را می‌توان اساس شکل‌گیری الگوهای

این خانواده بستر آشنایی با حقیقت هستی است و در آن عبرت‌های زیادی نهفته است شخصی که در این خانواده زندگی می‌کند، مراتب مختلف زندگی خود را از کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری در کنار هم می‌بیند. این مبدا و معاد زندگی دنیوی که در پیش روی اوست حاکی از زوال‌پذیری دنیاست و اشارتی است بر مبدا و معاد هستی.

پدر و مادر بزرگ با کهولت سن دیگر توان پاسخ‌گویی به نیازهای شخصی خود را ندارند و نیازمند مراقبت دائم هستند. این نیاز با فوت یکی و تن‌های دیگری تشدید می‌شود. با توجه به اقتضات زندگی امروز، نظیر بعد مسافت، ترافیک، مشغله دائم، ضیغ وقت و... چند راه برای والدین باقی می‌ماند.

حضور والدین در خانه اولاد که هم‌واره با عدم رضایت نسل اول هم‌راه است؛ چرا که استقلال از او گرفته می‌شود و این همنشینی، پس از مدتی با احساس سربرابر بودن و عدم آرامش قرین می‌شود. سر زدن‌های متوالی به منزل نسل اول، که به دلیل اقتضات زندگی امروز امکان حضور بقدر کافی در خانه والدین فراهم نمی‌آید. خانه سال‌مندان نیز گزینه دیگری است که با سفارشات اسلام در مورد والدین در تناقض است. خانواده گسترده تنها مجالی است که امکان تحقق آیه کریمه «و بالوالدین احسانا» و دیگر تأکیدات شرع مقدس، در نسبت با والدین را فراهم می‌آورد^{۱۸}.

در زندگی امروزی که خانم‌ها نیز شاغل هستند و خانه از صبح تا ظهر خالی از پدر و مادر است، پدر بزرگ و مادر بزرگ جایگزین دلسوزی برای کودکان هستند. آنان وظیفه تربیت را خیلی بهتر از مهدهای کودک به انجام خواهند رساند. نسبت کودکان با پدر بزرگ و مادر بزرگ (نسل اول) در گذر زمان تغییر می‌کند. در ابتدای امر نسل اول در مراقبت از نسل‌های دوم و سوم هستند با گذر زمان این نسبت برعکس می‌شود. این در حالی است که معمولاً با افزایش سن خصلت‌هایی در آدمی پررنگ می‌شود که صبر بیشتری از نزدیکان طلب می‌کند. نوجوان و جوان با راهنمایی دیگران، در این نسبت جدید با بینشی بزرگ و اراده انجام وظیفه می‌کنند. این نسبت می‌تواند باعث بزرگ‌منشی و رشد خصلت صبر در آنان شود.

پدر بزرگ و مادر بزرگ شیرازه خانواده هستند. حضورشان باعث پیوند میان نوادگان آنهاست. گرد هم آیی‌های نوادگان به برکت حضور پدر بزرگ و مادر بزرگ در خانواده موجب می‌شود که نسبت‌هایی که امروزه تنها اسمی از آنها باقی مانده

شرایطی تنها اعضای خانواده که باقی می‌مانند تعداد معدودی هستند که هسته خانواده نامیده می‌شوند: پدر، مادر و فرزندان؛ و حتی چنین ترکیبی نیز به علت طلاق و جدایی گاهی از این هم پاشیده تر می‌شود.

متأسفانه، چنین ترکیبی یک ترکیب اجتماع به حساب نمی‌آید. چرا که خیلی کوچک است. هر فرد در چنین خانواده‌ای به شدت به سایر اعضا وابسته شده، حتی اگر یک رابطه به تلخی کشیده شود موقعیتی بحرانی پیش خواهد آمد؛ افراد نمی‌توانند به راحتی رو به عموها و دایی‌ها و خاله‌ها و عمه‌ها یا نوادگان آنان بیاورند. مشکلات چنان به دامن خانواده می‌پیچد که آن را دچار اختلال می‌کند. به علت وابستگی زیاد کودکان به نوعی دچار مشکلات روانی می‌شوند. والدین گاهی آن چنان به هم وابسته اند که مجبور به جدایی می‌شوند. به نظر می‌آید که حداقل حضور دوازده نفر در کنار افرادی که در یک خانه زندگی می‌کنند امری ضروریست.^{۲۲}

الکساندر در زمینه خانه دانست. «هر خانواده عضوی از یک خانواده بزرگ‌تر است. اگر چنین امری ممکن نباشد، هنگام طراحی خانه‌ای برای یک خانواده کوچک سعی کنید خانه مذکور را به نحوی بسازید که امکان ارتباط آن با یک خانواده بزرگ‌تر امکان پذیر باشد، مثلاً آن را به نحوی با خانه هم‌سایه مرتبط کنید. سعی کنید حداقل شکل ابتدایی یک «مجتمع» را تشکیل دهید.»^{۲۰} وی در الگوی خانواده اظهار می‌دارد: «یک هسته خانواده به خودی خود شکلی از یک جامعه زنده نیست.»^{۲۱}

و در ادامه می‌آفراید: «تا چند سال گذشته پایه اجتماع بشری بر گسترش خانواده استوار بود: سه نسل از یک خانواده، هم راه با والدین، کودکان، پدر بزرگ و مادر بزرگ، عموها و دایی‌ها، خاله‌ها و عمه‌ها، فرزندان آنها همگی در یک خانه واحد یا خانه‌های کوچکی که در یک زمین واقع بود زندگی می‌کردند. اما امروزه مردم برای ازدواج، تحصیل، کار مایل‌ها از یک دیگر و محل زندگی خود دور می‌شوند. در چنین

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- از نظر آقای دکترهای ندیمی جامعه سنتی دیروز، جامعه‌ای همگن و هموزن بوده است. آن وضعیت به مرور زمان تبدیل شده است به جامعه ناهمگن و هتروژن امروز (معماری سنتی؛ نام کیفیتی بی‌نام، مصاحبه با دکترهای ندیمی، نشریه کتیبه-شماره اول)
- ۲- خانواده گسترده، خانواده‌ای است که بر اساس بستگی‌های نسبی و سببی استوار است و شامل چند گروه خونی و چند گروه زناشویی می‌شود. در مقابل آن خانواده هسته‌ای، که خانواده‌ای است متشکل از پدر و مادر و فرزندان.
- ۳- تعبیر ظرف و مظهر معماری برگرفته از کلام دکتر مهدی حجت در مقدمه کتاب معماری و راز جاودانگی (نوشته کریستوفر الکساندر، ترجمه دکتر مهرداد قیومی بیدهندی) است. همچنین آقای دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در ابتدای مقدمه پایان نامه دکتری خود تحت عنوان «آداب جست و جوی تاریخ معماری در متون فارسی با تکیه بر متون نثر سده‌های نخست»، (دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶)، منتشر نشده) از این تعبیر استفاده کرده‌اند. از نظر نگارنده، تعبیر ظرف و مظهر، ظرفیت استفاده برای بنای معماری و کاربرد آن و به تعبیر دقیق تر فضا و فعالیت (تعبیر آقای محمد رضا حائری مازندرانی) را دارد. گسترده‌گی استفاده از کلمه ظرف در ساحات و موقعیت‌های مختلف نظیر نحو، مثل ظرف زمان و ظرف مکان و همچنین گسترده‌گی و عمق معانی مشتقات آن نظیر ظرفیت و ظرفیت، «ظرف» را کلمه‌ای با ظرفیت و انعطاف بالا معرفی می‌کند. البته نقدهایی به تعبیر ظرف و مظهر معماری وارد است. از جمله آن که این تعبیر نمی‌تواند اصطلاح کاملی برای انتقال همه مفاهیم موجود معماری باشد؛ مفاهیمی نظیر انعطاف پذیری (نقد آقای مهندس محمد رضا حائری مازندرانی در خلال کرکسیون مقاله در دفتر نشریه اندیشه ایرانشهر).
- ۴- صفحات حوادث روزنامه‌ها، از بهترین منابع تحقیق برای یک معمار جهت شناخت مسائل جامعه است. (حائری مازندرانی، محمد رضا. گفتارهای ضمن کرکسیون مقاله، دفتر نشریه اندیشه ایرانشهر)
- ۵- رک المیزان، ج ۱، ص ۹۹ تا ۱۰۳
- ۶- الکساندر کریستوفر، الگوهای استاندارد در معماری، ترجمه فرشید موسوی، ۱۳۸۸، الگوی اتاق مشترک
- ۷- حائری مازندرانی، محمد رضا. گفتارهای مهندس محمد رضا حائری مازندرانی، کارگاه از شناخت تا طراحی خانه، تهران، مرکز هنر پژوهی نقش جهان، تابستان ۱۳۸۹

Michelson 1976-۹

- ۱۰- رجوع شود به پیوست ۱، ویژگی‌های خانواده گسترده
- ۱۱- رجوع شود به پیوست ۲، سیر تغییر خانواده گسترده
- ۱۲- حائری مازندرانی، محمد رضا. گفتارهای مهندس محمد رضا حائری مازندرانی، کارگاه از شناخت تا طراحی خانه، تهران، مرکز هنر پژوهی نقش جهان، تابستان ۱۳۸۸
- ۱۳- حائری مازندرانی، محمد رضا، خانه فرهنگ طبیعت
- ۱۴- حائری مازندرانی، محمد رضا، خانه فرهنگ طبیعت
- ۱۵- راسخی، مرتضی، بهینه فضای جمعی در خانه
- ۱۶- الگوهای استاندارد در معماری، الکساندر، کریستوفر، الگوی خانواده
- ۱۷- جاری شدن مفهوم صلۀ رحم در میان خانواده‌ها، باعث ایجاد خانواده‌هایی وسیع و چند لایه می‌شود. لایه‌های مختلفی که مراتب متنوع رابطه را برای خانواده به ارمغان می‌آورد و باعث پیوستگی در مفهوم رابطه از فرد تا اجتماع می‌شود. اسلام عزیز توصیه‌های مؤکدی به برقراری ارتباط با نزدیکان و آشنایان (صله ارحام) دارد. صله رحم، مفهومی است که حکایت از لزوم وجود روابط وسیع میان خانواده‌ها در عین حفظ استقلالشان دارد. روابطی که در تناسب با دوری و نزدیکی، کم و زیاد می‌شود.

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ

اگر (از این دستورها) روی گردان شوید، جز این انتظار می‌رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید؟! پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»: از خدا بترسید و با خویشاوند پیوند کنید، که این دو صفت مایه‌ی برکت دنیا و آمرزش آخرت است، و صله‌ی رحم ده خاصیت دارد: رضای پروردگار، شادی دل‌ها، خرسندی فرشتگان، ستایش مردمان، خواری شیطان، بلندی عمر، گشایش روزی، خشنودی مردگان، زیادی جوانمردی، و فراوانی ثواب.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»: حق بگویم گرچه تلخ باشد، صله‌ی رحم کنم هر چند آن‌ها روگردانند

۱۸- وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

(به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان نیکی کنید.

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْأَجْرِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْأَجْرِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و هم نشین، و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند)، دوست نمی‌دارد.

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ عَلَىٰ شُرُوكِ اللَّهِ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

بگو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: این که چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر

نیکی کنید

وَ قَضَىٰ رَبِّيَ أَلَّا تُعْبَدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفَ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگ و ارانه به آنها بگو!

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِالْوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا مَا بِهِ انْسَانُ تَوْصِيَهُ كَرِيمٌ كَمَا بِهِ پَدْر و مَادْرش نِيكِي كند.

اقتضائات زندگی مدرن با تمام فاصله‌ها و مشغولیاتش بستر و امکان احسان به والدین و انجام وظیفه در قبال آنها را مخدوش ساخته است. می‌بایست طریقی یافت که امکان این انجام وظیفه برای افراد جامعه فراهم شود. اخراج پدر و مادر از بستر خانواده، بستر قطع احسان را فراهم می‌آورد.

۱۹- الکساندر کریستوفر، الگوهای استاندارد در معماری، الگوی ۷۵

۲۰- همان، خانه‌ای برای یک خانواده کوچک، الگوی ۷۶

۲۱- همان، الگوی ۷۵

۲۲- با تشکیل چنین خانواده‌ای، افراد احساس راحتی کرده و در فراز و نشیب‌های زندگی می‌توانند به راه خود ادامه دهند. از آن جا که از خانواده قدیمی که تن‌ها به خاطر وابستگی‌های خونی با هم زندگی می‌کردند دیگر اثری نیست- حداقل برای چند مدت- تنها در صورتی می‌توان به افراد کمک کرد که خانواده‌های کوچک، زوجها و سایر افراد در غالب خانواده‌های ده نفری یا بیشتر با هم ارتباط داشته باشند. وی به نقل از آلدوس هاکسلی در تشریح جامعه نقط غرب و راه حل آنها برای نجات از این وضع اظهار می‌دارد: وسیلا گفت: «ما همه به یک انجمن تعمیدی به نام MAC تعلق داریم. هر MAC متشکل از زوج‌هایی بین پانزده تا بیست و پنج سال است. عروس و دامادهای جدید، زوج‌هایی که بچه دارند و حتی پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هر کدام چند نفر دیگر را به عنوان عضوی از خانواده خود قبول کرده‌اند. علاوه بر افرادی که به خاطر وابستگی خونی با آنها در ارتباط هستیم همه ما به نوعی یک پدر یا مادر تعمیدی، خاله و عمه تعمیدی، دایی، عمو، خواهر و برادر کودک و نوزاد و نوجوان تعمیدی هستیم.»

منابع و مأخذ

۱. آلمن، ایروین، (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضاها، شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲. الکساندر، کریستوفر، (۱۳۸۸)، الگوهای استاندارد در معماری، ترجمه فرشید موسوی، تهران: مهران.
۳. الکساندر، کریستوفر؛ چرمایف سرج، (۱۳۷۶)، عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.
۴. امیدواری، سمیه، (۱۳۸۵)، معماری امکان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد منتشر نشده.
۵. اولیاء، محمد رضا، (۸۹-۱۳۸۸)، گفتارهای ضمن کرکسیون پایان نامه، یزد، خانه رسولیان.
۶. حائری مازندرانی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، خانه فرهنگ طبیعت، تهران: مسکن و شهرسازی.
۷. حائری مازندرانی، محمدرضا، (۱۳۸۱)، «گونه شناسی معماری خانه‌ها»، مجله معمار ۱۸
۸. حائری مازندرانی محمدرضا، (تابستان ۱۳۸۸)، گفتارهای کارگاه «از شناخت تا طراحی خانه»، تهران، مرکز هنر پژوهی نقش جهان.
۹. حائری مازندرانی، محمدرضا، (زمستان ۱۳۹۰)، گفتارهایی ضمن کرکسیون مقاله، دفتر نشریه اندیشه ایرانشهر.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲)، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. راسخی نژاد مقدم، مرتضی، (۱۳۸۵)، بهینه فضای جمعی در خانه، پایان نامه دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، منتشر نشده.
۱۲. رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه شناسی کاربردی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. سروش، عبدالکریم، (۱۳۸۰)، نهاد ناآرام جهان، تهران: نشر صراط.
۱۴. عینی فر علیرضا، الگویی برای تحلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران، هنرهای زیبا، شماره ۱۳، صص ۶۴ تا ۷۷.
۱۵. طاهرزاده، اصغر، (۱۳۸۴)، فرهنگ مدرنیته و توهم، چاپ اول، اصفهان، نشر میزان.
۱۶. لنگ، جان، (۱۳۸۷)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران، دانشگاه تهران.